

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ سپتمبر ۲۰۱۹

چهارزانو نشستن بعد از وقت!!



شنبه- ۳۰ سنبله ۱۳۹۸- کابل: اگر به اخبار هفته قبل توجه نموده و تعدادی از آنها را به یاد داشته باشید، حتماً خواننده اید که "عمران خان" صدراعظم پاکستان، جهت افتتاح ساختمان جدید ۲۴ ساعته بندر "تورخم" آمده و پرده از سنگی برداشت که روی آن نگاشته شده بود، "ترمینال مرزی تورخم" در بالای تخته سنگ بیرقهای دو کشور افغانستان و پاکستان نیز منقوش بود. در این مراسم از جانب افغانستان سرپرست وزارت ترانسپورت و والی ننگرهار نیز اشتراک نموده بودند. در یادداشت امروز توجه شما را در همین زمینه جلب می نمایم:

۱- حضور رسمی نمایندگان دولت دست نشانده در آن مراسم و همراهی آنها با صدراعظم پاکستان بعد از برداشته شدن پرده از روی لوحه ای که در آن از مرز افغانستان و پاکستان نام برده می شود، مستقیماً بدان معناست که دولت دست نشانده افغانستان تحت قیادت "غنی احمدزی" که هیچ گونه پیوندی با افغانستان نداشته و با چیزی به نام "عرق ملی" مطلقاً نا آشناست، به دوام خیانت آشکار و انکار ناپذیر امیر "عبدالرحمان خان" جلد، یک بار دیگر بر معاهده ننگین "دیورند" که چون خنجر بر قلب قوم پشتون فرورفته افغانستان را تجزیه نموده است، صحه گذاشته اند.

۲- این که دولت پاکستان چرا چنین زمانی را برای اعلام خط مرزی بین افغانستان و پاکستان برگزیده، کاملاً روشن است. پاکستانی ها به میزان مینفروشی طبقات حاکم افغانستان در کل و حاکمیت دست نشانده به صورت خاص کاملاً آشنا هستند و می دانند که برای تمام آنها وقتی پای منافع شخصی و حفظ قدرت خودشان در بین باشد، تمام افغانستان را

فدای آن خواهند نمود. از همین رو زمان نصب و اعلام لوحه را دقیقاً چنان انتخاب نمودند که در افغانستان به اصطلاح "انتخابات ریاست جمهوری" در آستانه برگزاری قرار دارد. آنها خوب می دانند که در چنین شرایطی، پراگماتیسم و فرصت طلبی حاکم در درون طبقات حاکمه به خصوص حکمداران دولت دست نشانده و از همه مشخص تر شخص "غنی احمدزی" به مثابه زنجیر های ناگسستگی بر پای تمام آنها محکم مانده، هیچ یک از آنها جرأت نخواهند نمود، تا علیه این حمله مرزی آشکار و عریان پاکستان موضع بگیرد.

۳- بادر نظر داشت همراهی نخستین و سکوت بعدی باند "غنی احمدزی" در قبال این تجاوز آشکار پاکستان که حتا صدای فرد وطنفروشی چون "کرزی" را نیز بلند نمود و موضعگیری به اصطلاح وزارت خارجه دولت دست نشانده علیه عملکرد پاکستان، دیده می شود که "صلاح الدین" تاجیک بیشتر از "غنی احمدزی" خزیده بین قوم پشتون، در قبال حدود و ثغور افغانستان حساسیت نشان داده، به این که ممکن است عکس العمل آنها علیه تصمیم پاکستان، به ضرر مبارزات انتخاباتی شان تمام شود، اعتنائی نمی کند. به نظر من اتخاذ چنین موضعی بیشتر از آن که برخاسته از عرق ملی "صلاح الدین" باشد، بیانگر بی هویتی و غلام بارگی "غنی احمدزی" می باشد.

۴- آنچه در این میانه بیشتر از همه چیز قابل توجه است، سکوت ننگین آنهایی است که در کارنامه شان جز ننگ ایجاد تفرقه بین اقوام با هم برادر افغانستان و دامن زدن به برتری نژادی این یکی علیه آن دیگری، چیز دیگری ندارند. نمی دانم سکوت این یاهو سرایان بالقوه خاین به تمامیت ارضی و وحدت ملی افغانستان را چه می توان تعبیر نمود، همسوئی عملی آنها با خاینانی که معاهده ننگین "دیورند" را مقدس می دانند و یا غرق شدن آنها چنان در باتلاق تبعیضات تباری که وقت دیدن خیانت "پدرام" چهار چشم پیدا می نمایند مگر وقتی پای خیانت "غنی احمدزی" در میان باشد کور می شوند.

هموطنان گرامی!

این که حل معضل "دیورند" در صلاحیت خلقهای دوطرف خط فرضی و مجموع مردم افغانستان است یک طرف قضیه است، طرف دیگر قضیه این است که ما چرا می باید در همچو مسأله ای ساکت و بی توجه بمانیم. فراموش نکنیم که از لحاظ ماهیت، قضیه کشمیر و راه حلی که هند به آن تشبث ورزید با قضیه "دیورند" زیاد تفاوت ندارد. لذا وقتی پاکستان به خود حق می دهد تا علیه تصمیم هند اعتراض نماید، ما که نمی توانیم از دولت دست نشانده انتظاری داشته باشیم، چرا خود پای به میدان نمی گذاریم و با اعتراض خود در عمل ثابت نمی سازیم که هیچ قدرتی در غیاب خلق افغانستان نمی تواند قسمتی از وطن ما را به خود مدغم و منضم اعلام بدارد.

هموطنان گرامی!

باندارگ در کلیت آن که شامل "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" و نوچه های آنها باشد، وطنفروشی اند که برای رسیدن به قدرت حاضر اند ده ها "دیورند" جدید را به امضاء برسانند. می باید علیه آنها ایستاد و نگذاشت تا با ادامه قدرت به وطنفروشی شان ادامه بدهند.

سرکها ما را می طلبد!!